

# بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان

مسعود چلبی، سیدمحسن موسوی

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش ۸۸/۳/۲۷)

**چکیده:** پژوهش حاضر کوشش می‌نماید ضمن مرور رویکردهای مختلف در باب شادمانی، با اتخاذ رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی شادمانی بپردازد. در این مطالعه دو روش به کار گرفته شد. یکی روش پیمایش است که با انتخاب ۳۸۶ نفر از شهرهای تهران، یزد، اردکان و میبد و با استفاده از پرسشنامه شادمانی آکسفورد انجام شد. دیگری روش تطبیقی کمی است که با استفاده از داده‌های ثانویه صورت گرفت. طبق داده‌های اخیر، رتبه سازمانی ایران در میان ۶۹ کشور، رده ۶۱ است که رده نازل است. داده‌های پیمایش نیز میانگین شادمانی در چهار شهر مزبور را در سطحی پایین نشان می‌دهند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که روابط اجتماعی توأم با اعتماد اثر تعیین‌کننده بر شادمانی دارند و در این میان خانواده به‌عنوان عمده‌ترین تأمین‌کننده شادمانی افراد محسوب می‌شود.

**مفاهیم کلیدی:** شادمانی، خوشبختی ذهنی، انزوای اجتماعی، سرمایه اجتماعی، احساس ناامنی

## مقدمه

شادمانی<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادمانی همواره با خرسندی، خوش بینی و امید و اعتماد همراه است و از این

### 1. Happiness

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص. ۳۴-۵۷

رو می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور، نقش تسریع‌کننده‌ای در فرایند توسعه جامعه داشته باشد. اینگلهارت (۱۳۷۳) در این زمینه اظهار می‌دارد که سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه منجر و دوره‌های طولانی برآورده‌نشده‌نشدن آرزوها و انتظارات، موجب ظهور نگرش‌های بدبینانه‌ای می‌شود که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

پژوهش حاضر کوششی است جهت بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شادمانی از دیدگاه جامعه‌شناختی در دو سطح خرد و کلان. تحلیل در سطح خرد با استفاده از روش پیمایش اجتماعی انجام می‌شود و تحلیل کلان مبتنی بر داده‌های ثانویه است.

### واکاوای منابع موضوع

سلینگمن (۲۰۰۲) هیجان‌های مثبت را به سه دسته؛ آن‌هایی که با گذشته، حال و آینده پیوند دارند تقسیم می‌کند. هیجان‌های مثبت مرتبط با حال نیز به دو دسته لذت‌های آنی و لذت‌های عالی و نسبتاً پایدار تقسیم می‌شوند. به نظر سلینگمن لذت‌های عالی و نسبتاً پایدار، شامل احساساتی نظیر سعادت، راحتی، سرخوشی و شادمانی می‌باشند. شادمانی به معنای امروز آن در درون مفاهیم گسترده‌تری نظیر خوشبختی و کیفیت زندگی قرار دارد. علاقه دانشمندان اجتماعی به موضوع شادمانی بخصوص هنگامی که کیفیت زندگی باید از نگاه خود افراد ارزیابی شود، بیشتر سوق یافته است (Veenhoven, 2001:111; Galatzer, 2000: 502). از طرف دیگر، یکی از مفاهیم بسیار نزدیک به شادمانی مفهوم خوشبختی ذهنی<sup>۱</sup> است. به نظر دایتر شادمانی در واقع همان چیزی است که اکنون محققان این رشته آن را خوشبختی ذهنی می‌نامند (Diener, 2000) به نقل از آزموده، (۱۳۸۲: ۶۳). برخی محققین نیز خوشبختی ذهنی را یک متغیر مکنون با حداقل دو مؤلفه می‌دانند: شادمانی و رضایت از زندگی. مطابق با این تفکیک مفهومی، شادمانی به بعد احساسی و رضایت از زندگی به بعد شناختی مفهوم خوشبختی ذهنی اشاره دارد (Tsou, 2001; Gundelach, 2004). گاندلاچ (۲۰۰۴) بر مبنای داده‌های پیمایش ارزش‌های اروپاییان نشان داد که این دو مؤلفه در عین همبستگی شدید، عملاً متفاوت بوده و رابطه‌شان با متغیرهای سطح کلان اجتماعی اساساً متفاوت است.

برخی نویسندگان، شادمانی را معادل قضاوت شخص از مطلوبیت کیفیت زندگی خود

1. Subjective Well-Being(SWB)

می‌دانند. به عبارت دیگر شادمانی به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (جعفری، ۱۳۸۳؛ Rojas, 2005؛ Galati et al, 2006).

وینهوون کیفیت زندگی آشکار یک جامعه (مثلاً مدت زمان میزان شادی مردم در زندگی) را بر کیفیت زندگی پنداشته شده (نظیر شاخص توسعه انسانی) ترجیح می‌دهد. کیفیت زندگی آشکار، به رویکرد خروجی اجتماعی<sup>۱</sup> و کیفیت زندگی پنداشته شده به رویکرد ورودی اجتماعی<sup>۲</sup> اشاره دارد. به نظر وینهوون در رویکرد ورودی اجتماعی، یکی از مسائلی که وجود دارد مسئله نیازها است و این‌که آیا کالاها و خدمات موجود براساس نیازها شکل گرفته‌اند یا خیر. مسئله دیگر، همچنین این است که وجود چه شرایطی زندگی بهتر را فراهم می‌آورند. به نظر وینهوون با رویکرد ورودی اجتماعی، زندگی بدتر را می‌توان شناخت ولی زندگی بهتر را نه (Veenhoven, 2005:۶۱).

برخی از تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه شادمانی، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته‌اند که غالب نتایج مطالعات آن‌ها نشان داده است شرایط عینی به خودی خود نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند (Schyns, 1998: ۳). یکی از پیروان این دیدگاه لین (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول منجر به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادمانی شده است. اوت (۲۰۰۱) در نقد نظر لین اظهار می‌کند که بخصوص به واسطه گسترش آزادی‌ها، اثرات منفی بازار و پول بر شادمانی، جبران و منجر به ثابت ماندن سطح شادمانی شده است. اینگلهارت (۱۳۷۳) در این رابطه، تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت ممکن است احساس آبی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد اما در بلندمدت با بالا رفتن سطح امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع، به‌مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را گرفته و در این شرایط سطح بالای درآمد نقش خود را در بالا بردن سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد.

بخش دیگری از نظریات مطرح شده در حوزه شادمانی، بر فرایندهای ذهنی منجر به شادمانی بدون توجه و یا حداقل، توجه حاشیه‌ای به اثرات ناشی از ساختارهایی که در سطح گروه و جامعه مطرح‌اند تأکید می‌ورزند. تئوری ارجاع ادراکی شادمانی<sup>۳</sup> بیان می‌کند که افراد

1. Societal output
2. Societal input
3. Conceptual referent theory of happiness (CRT)

دارای یک ارجاع ادراکی به زندگی شاد می‌باشند و این ارجاع در قضاوت آن‌ها از زندگی و شادمانی‌اشان نقش شایانی ایفا می‌کند. تئوری ارجاع ادراکی شادمانی همچنین، قضاوت افراد به یک زندگی خوب را بیشتر از عامل احساسی، متکی بر عامل شناختی می‌داند. روچاس (۲۰۰۵) پس از گونه‌شناسی این ارجاعات و سپس بررسی تجربی آن، نتیجه می‌گیرد که افراد می‌توانند در حالی که ارجاع ادراکی متفاوتی نسبت به شادمانی دارند، به یک اندازه شاد باشند.

استرلین (۲۰۰۳) سعی در ترکیب تئوری‌های اقتصادی و روان‌شناختی کرده و اظهار می‌کند شادمانی کلی فرد به فاصله کم بین آرزوها و سطح دستیابی در هر کدام از حوزه‌های زندگی (درآمد، زندگی خانوادگی، شغل و...) و همچنین اهمیت نسبی هر حوزه به لحاظ کارکرد مطلوبی که برای فرد دارد وابسته می‌باشد.

یکی دیگر از پژوهشگران نام‌آشنای حوزه شادمانی، داینر، تئوری‌های تبیین‌کننده شادمانی را در دسته‌های تئوری نیازها، تئوری اهداف، مدل معیارهای نسبی و رهیافت‌های فرهنگی جای داده و پس از بحث و بررسی در مورد ابهامات مفهومی و همچنین یافته‌هایی که هر تئوری را به‌منظور تبیین، شکست‌پذیر کرده‌اند دست به ادغام این تئوری‌ها زده و تئوری خویش را تحت عنوان تئوری ارزیابی<sup>۱</sup> ارائه می‌کند. تئوری ارزیابی در جست‌وجوی درک فرایندهایی است که به موجب آن اطلاعات از محیط اطراف ما فهم و ارزیابی می‌شود. به نظر داینر (۲۰۰۰) شادمانی به مجموعه واکنش‌های ارزیابی<sup>۲</sup> برمی‌گردد که هنگامی که فرد با محرکی در دنیا روبه‌رو می‌شود اتفاق می‌افتد. تئوری ارزیابی همچنین ادعا می‌کند که تعداد معیارهای ارزیابی اغلب باید محدود و برجسته باشند و در مجموع، انواع خاصی از اطلاعات که برجستگی بیشتری در ارزیابی‌ها دارند، عبارتند از: رسیدن به اهداف، نیازهای بیولوژیک و هنجارهای فرهنگی (۶۷: 2000, Diener).

برخی از نظریات حوزه شادمانی، بر عوامل زمینه‌ای و فرهنگی و بخصوص فضای مفهومی شادمانی در فرهنگ‌های مختلف تأکید می‌ورزند. در ادبیات، این نوع مطالعات را از نوع روان‌شناسی بین‌فرهنگی<sup>۳</sup> می‌شناسند که عمدتاً به خصیصه فردگرایی/جمع‌گرایی افراد و جوامع توجه دارند (۶۰۷: Galati et al, 2006). به‌عنوان مثال آهویا (۲۰۰۲) عقیده دارد که توسعه اقتصادی، خوشبختی ذهنی را به‌واسطه ایجاد یک فضای فرهنگی که در آن افراد به تشویق و ترغیب در پیگیری شادمانی‌شان فراتر از تعهدات و الزامات اجتماعی دست و پاگیرشان دست می‌زنند، افزایش می‌دهد. این دگردیسی فرهنگی که در حال فاصله

1. Evaluation theory

2. Evaluation reactions

3. Cross-Cultural psychology

گرفتن از تکالیف اجتماعی و جهت‌گیری به سمت جست‌وجوی شادمانی است، بخشی از دگردیسی گسترده‌تری است که در حال فاصله گرفتن از جمع‌گرایی و نزدیک شدن به ارزش‌های فردگرایانه می‌باشد. در این رابطه همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که در کشورهای فقیر، فردگرایی دارای پیوند منفی با شادمانی بوده در حالی که در بین کشورهای ثروتمند فردگرایی پیوند مثبتی با شادمانی دارد. این نتایج نشان می‌دهند رشد اقتصادی بخشی از نظام پیچیده مدرنیزاسیون است که باید در کلیت آن درک شود (Ahuvia, 2002: ۲۵).

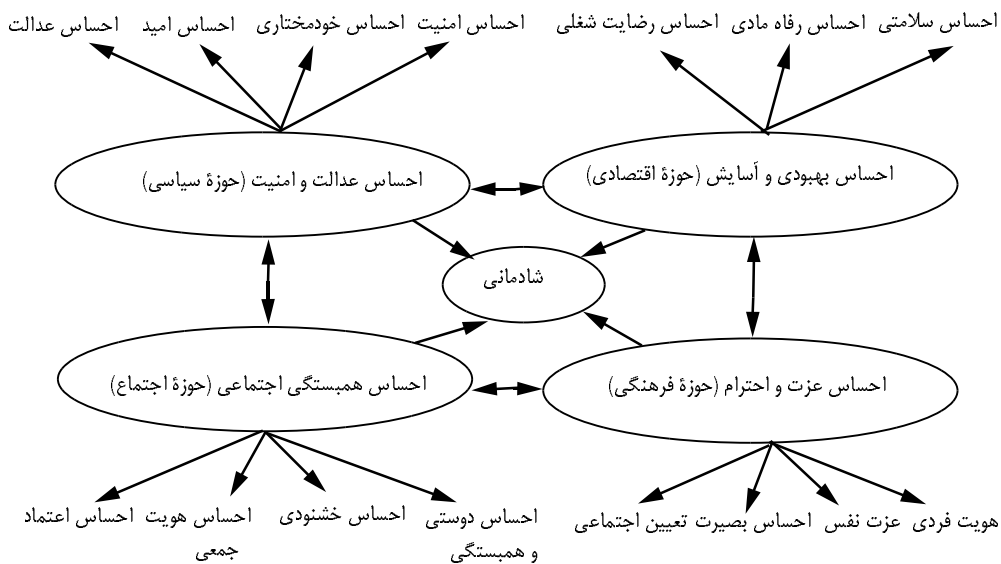
آخرین رویکرد مرتبط با حوزه شادمانی، رویکرد جامعه‌شناختی است که مبنای نظری این مطالعه را شکل داده است. یکی از دیدگاه‌های مرتبط با این رویکرد، نظریه گیدنز در خصوص مدرنیته و پیامدهای آن است. گیدنز (۱۳۷۷) معتقد است که مدرنیته احتمال خطر را در بعضی حوزه‌ها کاهش داده است اما در عین حال خطرات و ناامنی‌های دیگری را جایگزین ساخته است. از جمله عوامل تهدیدکننده شادمانی از نظر گیدنز عبارتند از تهدیدهای خشونت‌آمیز ناشی از صنعتی شدن جنگ، متزلزل شدن ریشه‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی و احساس ناامنی و اضطراب وجودی. همچنین از جمله عوامل تأمین‌کننده شادمانی را از نظر گیدنز می‌توان به اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و وانهی امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، و دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب نام برد (گیدنز، ۱۳۷۷).

یکی دیگر از نظریات بررسی شده تحت رویکرد جامعه‌شناختی، نظریه‌ای است که شادی و خرسندی کنشگران فردی را در شبکه مبادلات بین نظام جامعه‌ای و نظام شخصیت جست‌وجو کرده و با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی چندبعدی که از انسان، شخصیت و جامعه در اختیار می‌گذارد، کم‌وکیف شادمانی افراد را مرتبط با احساس رضایت و خشنودی آن‌ها از حوزه‌های چهارگانه در سطوح فردی و جامعه‌ای می‌داند (چلبی، ۱۳۸۳: ۵۹). به بیان دقیق‌تر این نظریه را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد که منبع تأمین علقه‌های چهارگانه انسان (علقه مادی، امنیتی، ارتباطی و شناختی) در ارتباط تنگاتنگ با امر اجتماعی و به عبارتی حوزه‌های چهارگانه نظام جامعه‌ای است.

طبق این دیدگاه چنانچه هر کدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی مؤثر علایق افضل<sup>۱</sup> (علایق معیشتی، امنیتی، معاشرتی و شناختی) فرد و جامعه باشد، در این صورت هر کدام می‌توانند موجبات نوعی «احساس مثبت» که هر کدام زمینه‌ساز شادمانی افراد است را فراهم نمایند. یعنی کارکرد صحیح حوزه اقتصادی تولید احساس بهبودی و آسایش است.

۱. برای بررسی علایق افضل به چلبی، ۱۳۸۴: ۶۳ مراجعه شود.

همین‌طور حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کدام به ترتیب منشأ بروز احساس عدالت و امنیت، احساس همبستگی اجتماعی و احساس عزت و احترام می‌شوند (همان).



نمودار ۱. تأثیر احساسات مرتبط با حوزه‌های چهارگانه جامعه بر شادمانی

البته پیامد مثبت عملکرد هر حوزه جامعه تا حدودی موقوف به عملکرد سایر حوزه‌هاست. یعنی توسعه متوازن و همگون هر چهار حوزه می‌تواند در سطح فردی سبب‌ساز احساسات مثبت در هر چهار حوزه شود. در غیر این صورت، چه بسا توسعه ناموزون، از جمله در برخی کشورهای در حال گذار، نه تنها موجب شادمانی نمی‌شود بلکه ناخرسندی اجتماعی را برای اکثریت آحاد جامعه فراهم می‌نماید. به‌طور مثال در ارتباط با توسعه اقتصادی، برخی اظهار می‌دارند که چنانچه توسعه اقتصادی سبب انواع نابرابری اجتماعی گردد و همزمان روحیه زیاده‌طلبی را همراه با اضطراب در میان افراد بالا برد، در این صورت پیامد آن چیزی جز ناخرسندی و نارضایتی افراد و گروه‌ها نخواهد بود.

همین‌طور چنانچه در اثر تحولات سریع و ناموزون اجتماعی، شرایط آنومی اجتماعی در جامعه فراهم آید، در این حالت افراد احساس سرگشتگی و ابهام در تشخیص درست و نادرست و مناسب و نامناسب کرده و در نتیجه محیط اجتماعی برای شکل‌گیری

و رشد فردگرایی خودخواهانه و خودسری‌های فردی مهیا می‌گردد. در این صورت نفع جمعی تحت الشعاع نفع فردی قرار گرفته و نوعی بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به دیگران و همچنین نهادهای جامعه فراهم می‌شود. در چنین شرایطی زمینه برای ناخرسندی و ناشادمانی اجتماعی برای اکثریت فراهم می‌شود. به این ترتیب می‌توان متناسب با مقدمات این پژوهش، فرضیه‌های زیر را در دو سطح خرد و کلان به‌منظور بررسی و آزمون تجربی، عنوان نمود.

### فرضیات سطح خرد

۱. هر چقدر میزان اعتماد افراد یک جامعه به یکدیگر و به سازمان‌ها و نهادهای مختلف کمتر باشد، افراد بیشتر احساس انزوا کرده و احساس شادمانی کمتری خواهند داشت.
۲. هر چقدر افراد یک جامعه بیشتر احساس ناامنی کنند، احساس شادمانی آن‌ها کمتر خواهد بود.
۳. هر چقدر میزان احساس آنومی اجتماعی در یک جامعه بیشتر باشد، افراد در آن احساس غضب اخلاقی<sup>۱</sup> کرده و میزان شادمانی آن‌ها کمتر خواهد بود.

### فرضیات سطح کلان

۱. هر چقدر میزان نابرابری درآمد در جامعه‌ای بیشتر باشد، سطح شادمانی در آن جامعه پایین‌تر خواهد بود.
۲. هر چقدر میزان سرمایه اجتماعی یک جامعه بیشتر باشد، افراد در آن جامعه بیشتر احساس شادمانی خواهند کرد.
۳. هر چقدر سطح توسعه اقتصادی یک جامعه پایین‌تر باشد، فردگرایی بیشتر در آن جامعه منجر به سطح شادمانی بالاتر افراد نخواهد شد.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول پیمایشی (اردیبهشت ۱۳۸۷) در زمینه بررسی میزان شادمانی و عوامل مؤثر بر آن در بین افراد عادی و بالاتر از ۱۸ سال

---

۱. مراد از «غضب اخلاقی» (moral outrage) خشم اخلاقی توأم با نوعی احساس بی‌عدالتی اجتماعی حاصل از (تصور) نقص قواعد اجتماعی (با صبغه اخلاقی) و جایگزینی زور و تزویر به جای آن، در پهنه روابط اجتماعی می‌باشد.

شهرهای تهران، یزد، اردکان و میبد با حجم نمونه ۳۸۶ نفر است. روش نمونه‌گیری در این قسمت، خوشه‌ای دو مرحله‌ای می‌باشد. قسمت دوم، مربوط به بررسی میزان و عوامل مؤثر بر شادمانی در سطح کشورهاست. روش مورد استفاده در این قسمت تحلیل ثانویه<sup>۱</sup> بوده و با توجه به این‌که این مطالعه شامل یک مقطع زمانی خاص (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱) می‌شود، از نوع ملی - عرضی<sup>۲</sup> می‌باشد.

#### الف) اندازه‌گیری متغیرهای سطح تحلیل خرد (پیمایش)

چگونگی سنجش میزان احساس شادمانی و خوشبختی ذهنی افراد یکی از مباحثی است که طی چند دهه مورد مناقشه صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است. اما اکنون پس از چند دهه پژوهش‌های معتبر می‌توان اظهار کرد که شادمانی می‌تواند با گزارش خود افراد اندازه‌گیری شود (Galatzer, 2005: ۵۰۲). دورکیم نیز قبلاً در کتاب تقسیم کار اجتماعی اظهار داشته بود: تنها خود فرد برای داوری در باب خوشبختی‌اش صلاحیت دارد؛ فرد اگر خودش را خوشبخت احساس کند، بی‌گمان خوشبخت است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۲۶۲).

از این رو میزان شادمانی افراد از طریق طرح سؤالاتی در دو بخش پرسشنامه سنجیده شده است. بخش اول شامل طرح سؤال کلی زیر در ابتدای پرسشنامه می‌باشد.

به‌طور کلی در حال حاضر کدامیک از موارد زیر به احساس شما نزدیک‌تر است؟

فوق‌العاده احساس شادی می‌کنم O خیلی شادم O کمی شادم O اصلاً شاد نیستم O

بخش دوم دربرگیرنده آزمون استاندارد ۲۹ سؤالی است تحت عنوان پرسشنامه شادمانی آکسفورد<sup>۳</sup> (OHI) که در سال ۱۹۸۹ توسط آرچیل و لو تهیه شده است (علیپور و همکار، ۱۳۷۸: ۵۷). بیست و یک گویه از این آزمون شامل گویه‌های معکوس شده آزمون شناخته شده افسردگی بک<sup>۴</sup> و هشت گویه دیگر شامل ابعاد دیگری از این سازه است. لازم به ذکر است که پس از انتشار این پرسشنامه، پژوهش‌های زیادی درباره آن انجام شد و ضرایب آلفای به‌دست آمده، همگی از ۰/۸۵ بالاتر بودند (همان، ۵۸). ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق نیز برابر ۰/۹۲ به‌دست آمد. همچنین پژوهش‌های مختلف، تعداد عوامل متفاوتی از این پرسشنامه به‌دست آورده‌اند. به‌عنوان مثال برای نخستین بار آرچیل و همکاران (۱۹۸۹) هفت عامل زیر را در پژوهش‌شان ذکر کرده‌اند: شناخت مثبت، تعهد اجتماعی، خلق مثبت، احساس کنترل، سلامت بدنی، رضایت از خویشتن و هشیاری روانی. هیلز و آرچیل (۱۹۹۸) نیز در تحلیل عاملی خود

1. Secondary Analysis

2. Cross National

3. Oxford Happiness Inventory

4. Beck



هفت عامل زیر را به دست آورده‌اند: رضایت از زندگی، کارآمدی، اجتماعی بودن، شناخت مثبت، سلامت، شادمانی و عزت نفس (همان، ۶۳). نتایج تحلیل عاملی با بهره‌گیری از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی<sup>۱</sup> و چرخش واریماکس در این تحقیق، شش عامل را که جمعاً ۵۶٪ واریانس کل را تبیین می‌کنند از هم جدا ساخت. البته باید توجه داشت معمولاً هنگامی که مقدار آلفای کرونباخ بالاست، از نظر منطقی نباید انتظار داشت که آزمون عوامل گوناگونی را بسنجد. ضمناً به منظور بررسی روایی صوری این پرسشنامه از نظرات تعدادی از صاحب‌نظران کمک گرفته شد که همگی توانایی پرسشنامه شادمانی آکسفورد را برای سنجش شادمانی افراد جامعه آماری تأیید کردند.

در پرسشنامه تحقیق حاضر همچنین علاوه بر ۲۹ سؤال مذکور، سؤال بازدیگری تحت عنوان زیر پرسیده شد: «سه چیزی که بیشتر از همه می‌تواند موجب شادمانی شما شود را به ترتیب نام ببرید». لازم به ذکر است به منظور بهره‌گیری از پاسخ‌های این سؤال در تحلیل‌های آماری آتی شاخصی ایجاد شد که بیانگر میزان تأمین شادمانی با عوامل مادی است. این شاخص پس از دسته‌بندی پاسخ‌ها به دو دسته عوامل مادی (کد ۱) و عوامل غیرمادی (کد ۱-) و سپس محاسبه مقدار زیر برای هر نفر ایجاد شد:

«شاخص تأمین شادی با عوامل مادی» = کد گزینه اول  $\times 3$  + کد گزینه دوم  $\times 2$  + کد گزینه سوم  $\times 1$

-- متغیرهای مستقل: سنجش متغیرهای مستقل از طریق معرف‌سازی و سپس طرح سؤالات چندگزینه‌ای (اغلب ترتیبی) انجام شد. سؤالات به کار گرفته شده در این بخش عمدتاً برگرفته از منابعی است که قبلاً اعتبار و روایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است.

#### ب) اندازه‌گیری متغیرهای سطح تحلیل کلان (تحلیل ثانویه)

-- متغیر وابسته: شاخص سطح شادمانی کشورها در این تحقیق براساس حاصل جمع درصد پاسخ به دو گزینه اول (خیلی شاد و نسبتاً شاد) سؤالی که اینگلهارت در مورد شادمانی در پیمایش ارزش‌های جهانیان<sup>۲</sup> (موج چهارم ۱۹۹۹-۲۰۰۴) پرسیده بود، ایجاد شد. این داده‌ها همچنین توسط وینهوون در پایگاه داده‌هایی تحت عنوان شادمانی در بین ملت‌ها<sup>۳</sup> جمع‌آوری شده است.

-- متغیرهای مستقل:

\* سرمایه اجتماعی: داده‌های مورد نیاز متغیر سرمایه اجتماعی در این پژوهش، از گزارش

1. Principal component  
3. Happiness in nations

2. World Values Survey

WVS (پیمایش ارزش‌های جهانی) موج چهارم به‌دست آمده‌اند. شاخص‌هایی که به‌عنوان معرف‌های سرمایه اجتماعی در سطح کلان در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از: اعتماد اجتماعی، عضویت سازمانی و اطمینان به سازمان‌های مختلف.

\* سطح توسعه اقتصادی: برای سنجش این متغیر از دو شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP سرانه برحسب PPP)، و درصد صادرات صنعتی کشور استفاده شده است. داده‌ها مربوط به سال ۱۹۹۹ می‌باشد (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۰).

\* نابرابری درآمد: برای سنجش این متغیر از دو شاخص ضریب جینی و نسبت ۲۰٪ فقرا به ۲۰٪ ثروتمندان برای هر کدام از کشورها استفاده گردیده است (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۰). داده‌های این متغیر مربوط به سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ می‌باشد. انتخاب این بازه زمانی به‌منظور کاهش تعداد داده‌های مفقوده و پس از حصول اطمینان نسبی از کیفیت داده‌ها (به‌خصوص ضریب همبستگی بسیار بالای داده‌ها بین سال‌های مختلف) انجام شد.

\* سطح ایمنی: این متغیر با بهره‌گیری از یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی (QOL) به نام آسایش و ایمنی در مقابل خطر<sup>۱</sup> سنجیده شد (برگرفته از سایت [www.internationalliving.com](http://www.internationalliving.com)). این شاخص بیانگر درجه سختی شرایط زندگی در کشورهای مختلف و میزان مخاطرات خاص محیطی و ناسلامتی‌های قابل توجه می‌باشد.

\* فردگرایی: در این تحقیق رتبه فردگرایی ۷۹ کشور مورد بررسی قرار گرفته است که منبع اصلی این داده‌ها، کتاب "پیامدهای فرهنگ" است که توسط هوفشتمن در سال ۲۰۰۱ با اضافاتی تجدید چاپ شده است. داده‌های این شاخص در حد فاصل طیف ۰ تا ۱۰۰ قرار دارند که در این بین، سطح فردگرایی در ایران برابر ۴۱ که نزدیک به میانگین فردگرایی کل کشورهاست (۴۱/۹) می‌باشد.

### یافته‌های تحقیق: نتایج سطح خرد

الف) میزان شادمانی در بین افراد نمونه: در ابتدا لازم به توضیح است که فراوانی افراد نمونه در شهرهای تهران، یزد، اردکان و میبد به ترتیب برابر ۱۹۲، ۱۰۰، ۴۹ و ۴۵ می‌باشد. میانگین سنی پاسخگویان برابر ۳۳/۳۸ و کمترین سن و بالاترین سن به ترتیب ۱۸ و ۷۳ سال است. حدود ۶۰٪ افراد نمونه متأهل و میانگین سطح تحصیلات (در سطح سنجش فاصله‌ای) برابر ۱۳/۳۶ سال، کمترین سطح تحصیلات ۲ و بیشترین آن ۲۴ سال می‌باشد. همچنین میانه درآمد

1. Safety and Risk

اظهار شده در نمونه تهران ۵۰۰ و در نمونه یزد، اردکان و میبد ۳۰۰ هزار تومان در ماه بود. یادآوری می‌شود که سال جمع‌آوری داده‌ها، ۱۳۸۷ است. جدول ۱ نتایج میزان شادمانی افراد نمونه را در پاسخ به سؤال کلی ابتدای پرسشنامه به تفکیک شهر نشان می‌دهد:

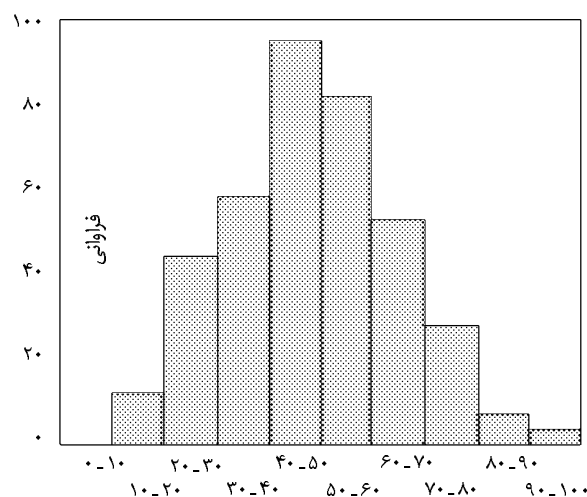
جدول ۱. توزیع فراوانی درصدی پاسخگویان برحسب میزان شادمانی به تفکیک شهر و مقایسه آن با نتایج نمونه ایران در پیمایش ارزش‌های اینگلهارت

		به‌طور کلی در حال حاضر کدام یک از موارد زیر به احساس شما نزدیک‌تر است؟					
		گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴		
جمع		فوق‌العاده احساس شادی می‌کنم	خیلی شادم	کمی شادم	اصلاً شاد نیستم		
تهران		۵/۲۱	۱۷/۷۱	۵۶/۷۷	۲۰/۳۱	۱۰۰	
یزد		۴	۱۶	۶۳	۱۷	۱۰۰	
اردکان		۰	۲۲/۴۵	۵۹/۱۸	۱۸/۳۷	۱۰۰	
میبد		۰	۲۲/۴۴	۶۰	۱۵/۵۶	۱۰۰	
کل	پیمایش تحقیق حاضر	۳/۶۳	۱۸/۶۵	۵۹/۰۷	۱۸/۶۵	۱۰۰	
نمونه ایران	پیمایش ارزش‌های اینگلهارت (موج ۴)	۲۵	۳۷/۶	۳۱/۱	۶/۳	۱۰۰	

نتایج نشان می‌دهند بین شهرهای مورد بررسی تفاوت‌چندانی در توزیع پاسخ به گزینه‌های سؤال مذکور وجود نداشته و در مجموع شادمانی در بین افراد نمونه پایین می‌باشد. بخشی از جدول ۱ به مقایسه نتایج تحقیق حاضر و پیمایش اینگلهارت اختصاص دارد که با طرح سؤال مشابه اما گزینه‌های متفاوت، نتایج متفاوتی در پی داشته‌اند. با این توضیح، از جدول ۱ این‌گونه استنباط می‌شود که اینگلهارت میانگین سطح شادمانی ایرانیان را بالاتر از تحقیق حاضر به دست داده است. البته علاوه بر این، باید توجه داشت که در پرسشنامه ترجمه شده اینگلهارت به فارسی، به جای Happiness از «سعادت» استفاده شده که با توجه به تعریف و مفهوم Happiness جایگزین مناسبی به نظر نمی‌رسد.

در تحقیق حاضر اما، شادمانی به وسیله شاخص آکسفورد به دست آمد و ادامه تحلیل‌ها براساس آن انجام شد. این شاخص براساس مجموع نمرات کدگذاری شده گزینه‌ها از ۰ تا ۳

براساس بیست‌ونه سؤال پیش‌گفته حاصل شده است. نمودار ۲ میزان شادمانی افراد نمونه را براساس این شاخص نشان می‌دهد.



نمودار ۲. توزیع فراوانی افراد نمونه براساس شاخص شادمانی آکسفورد

میانگین شادمانی براساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۴۸/۶۰ به دست آمد که این مقدار، کمتر از حد متوسط شادمانی می‌باشد. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد میانگین شادمانی در شهرهای میبد، تهران، یزد و اردکان به ترتیب با مقادیر ۵۱/۳۴، ۴۸/۸۷، ۴۸/۲۳ و ۴۵/۷۹ دارای تفاوت معناداری نمی‌باشد ( $sig=0/403$ ). نتیجه تحلیل سؤال باز پاسخ در مورد عواملی که موجب شادمانی افراد می‌شوند نشان داد اکثریت افراد (۷۲/۳۶٪) عوامل غیرمادی را از قبیل همسر خوب، سلامتی، مطالعه، زیارت، شادی دیگران و... به وجود آورنده شادمانی‌شان می‌دانند و در مقابل ۱۶/۳۵ درصد، عوامل مادی از قبیل مسکن، ثروت، رفاه بیشتر و... و ۱۱/۳۰ درصد نیز پاسخی به این سؤال نداده‌اند.

ب) تحلیل‌های دومتغیری در سطح خرد: با توجه به ناچیز بودن تعداد سؤالات بی‌پاسخ (حداکثر ۱۰ از ۳۸۶) این مقادیر به روش جایگزینی میانگین کامل شده و در تحلیل‌های آتی تمام ۳۸۶ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج اجرای آزمون t دونمونه‌ای مستقل نشان

داد بین جنسیت و احساس شادمانی رابطه معناداری وجود ندارد. البته به میزان بسیار کمی شادمانی مردان بیشتر از زنان است. بین سن و شادمانی نیز رابطه قابل توجهی مشاهده نشد. میانگین شادمانی افراد متأهل بالاتر از افراد مجرد بوده و این رابطه در سطح خطای ۰/۰۵ غیرمعنادار ولی در سطح خطای ۰/۱ معنادار می‌باشد. نتایج همبستگی بین درآمد و شادمانی نیز نشان داد این رابطه برخلاف تصور بسیاری از مردم عادی، بسیار اندک ( $r=0.018$ ) می‌باشد. به عبارت دیگر همراه با افزایش درآمد میزان شادمانی افزایش نخواهد یافت. این یافته در جهت تأیید نظریاتی است که داینر (داینر، ۲۰۰۰) از آن تحت نظریات «معیارهای نسبی» یاد می‌کند.

ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اساسی تحقیق نشان دادند که روابط دویه دو بین شادمانی و تمامی متغیرهای مستقل (انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، آنومی، احساس ناامنی و غضب اخلاقی) معکوس و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار می‌باشند. از بین متغیرهای مستقل نیز انزوای اجتماعی دارای بیشترین همبستگی معکوس با شادمانی می‌باشد ( $r=0.536$ ). بررسی‌های بیشتر در مورد این رابطه نشان داد احساس نزدیکی و همدلی با اعضای خانواده نسبت به گروه دوستان و افراد غریبه سهم بیشتری در تأمین شادمانی افراد داشته و گروه دوستان پس از خانواده در درجه دوم اهمیت قرار دارد. جدول ۲ و ۳ این موضوع را به شکل بهتری نشان می‌دهند.

جدول ۲. مقایسه سهم حوزه خصوصی و حوزه عمومی در تأمین شادمانی افراد

میزان شادمانی	انزوا در حوزه عمومی	انزوا در حوزه خصوصی
خیلی کم	+	+
کم	-	+
زیاد	+	-
خیلی زیاد	-	-

جدول ۳. رابطه میان جامعه و افراد غریبه با خانواده در تأمین شادمانی افراد

میانگین کل	انزوا در خانواده		میانگین شادمانی*
	زیاد	کم	
۲/۱۶	۱/۵۷	۲/۲۶	کم
۲/۰۲	۱/۵	۲/۱۳	زیاد
۲/۰۷	۱/۵۲	۲/۱۸	میانگین کل

\* مقادیر داخل جدول بیانگر میانگین شادمانی افراد در دسته‌های مختلف می‌باشد.

ج) تحلیل‌های چندمتغیری در سطح خرد: تحلیل‌های چندمتغیری در تحقیق حاضر شامل تحلیل رگرسیون چندمتغیری و تحلیل مسیر می‌باشد.

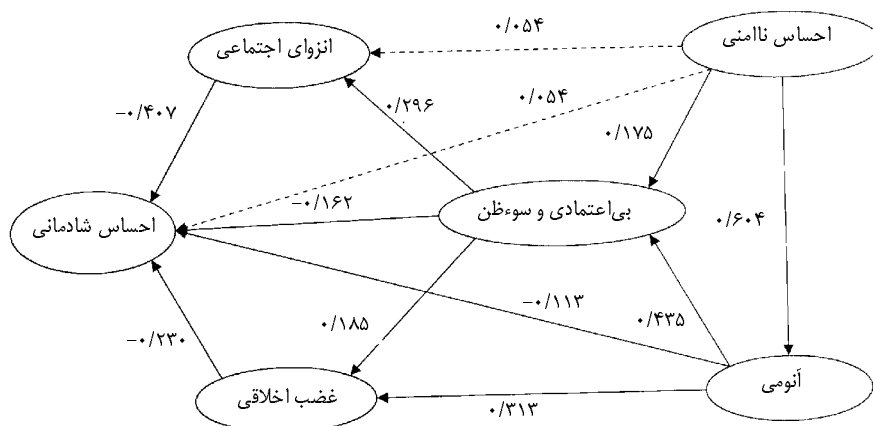
جدول ۴. نتایج رگرسیون شادمانی بر متغیرهای مستقل به روش Enter

Sig.	t	ضرایب استاندارد رگرسیون (beta)	متغیرهای مستقل
۱/۰۰۰	۰/۰۰۰		مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۹/۶۴	-۰/۴۰۷	انزوای اجتماعی
۰/۰۰۱	-۳/۳۲	-۰/۱۶۲	بی‌اعتمادی
۰/۰۴۰	-۲/۰۶	-۰/۱۱۳	انومی
۰/۲۸۷	۱/۰۶	۰/۰۵۴	نامنی
۰/۰۰۰	-۵/۱۷	-۰/۲۳۰	غضب اخلاقی
	۵۳/۰۰۵	F	نتایج تحلیل واریانس
	۰/۰۰۰	Sig.	
		۰/۴۱۱	ضریب تعیین R <sup>2</sup>
		۰/۴۰۳	ضریب تعیین تعدیل شده

یافته‌های تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که اثر خالص متغیر انزوای اجتماعی بر شادمانی بیشتر از دیگر متغیرهای مستقل می‌باشد. نتایج تحلیل واریانس همچنین نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیرهای مستقل به تغییرات ناشی از عوامل غیر آن (خطا) را قابل توجه و به لحاظ آماری معنادار نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۱۱ و این مقدار بیانگر آن است که متغیرهای مستقل در مجموع ۴۱ درصد از تغییرات شادمانی را توضیح داده‌اند. نتایج تحلیل‌های رگرسیون مجدد و با افزایش متغیرهای پیشینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل و درآمد) به مدل به‌منظور بررسی کنترل‌های آماری نشان داد ورود هیچ‌یک از این متغیرها به مدل نه تنها افزایش قابل توجهی در ضریب تعیین به وجود نمی‌آورند بلکه تأثیر چندانی بر کم و زیاد کردن میزان تأثیر متغیرهای مستقل دیگر نیز ندارند. اجرای روش‌های رگرسیون روبه جلو<sup>۱</sup> و روبه عقب<sup>۲</sup> نشان داد، روش روبه جلو حذف متغیرهای انومی و نامنی و روش روبه عقب حذف متغیر نامنی را از مدل پیشنهاد می‌کند. البته باید توجه داشت حضور برخی متغیرها در مدل اگرچه ممکن است رابطه مستقیم قابل توجهی با متغیر وابسته نهایی در پی نداشته باشد لکن اثر غیرمستقیم آن‌ها امکان دارد قابل ملاحظه باشد. در این جا به‌منظور تفکیک و بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل از روش تحلیل مسیر سود جستیم.

1. Forward

2. Backward



نمودار ۳. دیاگرام مسیر در سطح خرد

-----: ضریب مسیر در سطح خطای  $0.05$  غیرمعمادار

-----: ضریب در سطح خطای  $0.05$  معنادار

ضرایب مسیر مدل مشاهده شده (مقادیر بالای علامت‌های پیکان) نشان می‌دهند به جز در مورد اثر مستقیم متغیر احساس ناامنی بر شادمانی و همچنین ناامنی بر انزوای اجتماعی، در بقیه موارد این ضرایب در سطح خطای  $0.05$  معنادار بوده و این نشان می‌دهد که به‌طور کلی یافته‌های آماری تحقیق، پیش‌بینی‌های نظری را تأیید می‌کنند.

### نتایج سطح کلان

الف) سطح شادمانی در بین کشورها: در این بخش به منظور تسهیل در تفسیر نتایج سطح کلان، مقیاس کلیه متغیرها به مقادیر ۰ تا ۱۰۰ تبدیل شد. همچنین در مورد متغیرهایی که بیش از یک معرف دربر داشتند، با دستور تحلیل عاملی در SPSS شاخص مربوط ایجاد شد. جدول ۴ میزان شادمانی ۶۹ کشور را پس از مرتب کردن آن‌ها از بیشترین به کمترین سطح شادمانی نشان می‌دهد. همان‌طور که قبلاً گفته شد متغیر شادمانی براساس مجموع درصد پاسخ به گزینه‌های «خیلی شاد» و «نسبتاً شاد» در کشورهای مختلف به تک سؤال پیمایش ارزش‌های اینگلهارت (WVS-4) در مورد شادمانی، سنجیده شده است که مقادیر این متغیر در دامنه ۰ تا ۱۰۰ قرار دارند (جدول ۵).

جدول ۵. میزان شادمانی در بین کشورها (N= ۶۹) براساس نتایج موج چهارم پیمایش ارزش‌های اینگلهارت

ردیف	نام کشور	میزان شادمانی	ردیف	نام کشور	میزان شادمانی	ردیف	نام کشور	میزان شادمانی
۱	ایسلند	۹۷.۳۱	۲۴	فیلیپین	۸۸.۱۵	۴۷	لتونی	۷۷.۲۶
۲	ایرلند	۹۶.۳۳	۲۵	جمهوری کره	۸۷.۶۷	۴۸	پاکستان	۷۶.۶۰
۳	کانادا	۹۵.۹۱	۲۶	اسپانیا	۸۷.۶۲	۴۹	یونان	۷۵.۸۷
۴	جزایر ماریان شمالی	۹۵.۴۳	۲۷	مالت	۸۶.۷۳	۵۰	مقدونیه	۷۴.۹۰
۵	سنگاپور	۹۵.۲۲	۲۸	ونزوئلا	۸۶.۳۳	۵۱	لهستان	۷۴.۵۱
۶	هلند	۹۵.۱۱	۲۹	جمهوری چک	۸۵.۵۳	۵۲	هند	۷۴.۱۴
۷	اندونزی	۹۴.۹۷	۳۰	جمهوری قرقیزستان	۸۴.۵۴	۵۳	مجارستان	۷۲.۴۵
۸	دانمارک	۹۴.۶۹	۳۱	پرتغال	۸۴.۱۲	۵۴	یوگسلاوی فدرال	۷۲.۳۷
۹	تانزانیا	۹۴.۵۴	۳۲	الجزیره	۸۳.۶۷	۵۵	ترکیه	۷۱.۹۰
۱۰	لوکزامبورگ	۹۴.۳۴	۳۳	اردن	۸۳.۴۲	۵۶	جمهوری اسلواکی	۷۰.۶۳
۱۱	پورتوریکو	۹۴.۲۹	۳۴	بوسنی و هرزگووین	۸۲.۵۲	۵۷	یلاروس	۶۸.۵۵
۱۲	ایالات متحده	۹۴.۰۴	۳۵	کرواسی	۸۲.۱۶	۵۸	استونی	۶۷.۹۵
۱۳	سوئد	۹۳.۶۸	۳۶	آفریقای جنوبی	۸۲.۰۴	۵۹	پرو	۶۶.۲۲
۱۴	ویتنام	۹۲.۴۲	۳۷	آرژانتین	۸۱.۷۳	۶۰	عراق	۶۲.۹۱
۱۵	مکزیک	۹۲.۳۸	۳۸	مراکش	۸۱.۶۷	۶۱	جمهوری اسلامی ایران	۶۲.۵۹
۱۶	بلژیک	۹۱.۹۷	۳۹	آلمان	۸۰.۹۵	۶۲	آلبانی	۵۹.۲۱
۱۷	فرانسه	۹۱.۹۱	۴۰	شیلی	۸۰.۳۰	۶۳	لتونی	۵۸.۰۱
۱۸	نیجریه	۹۱.۸۴	۴۱	ایتالیا	۸۰.۱۵	۶۴	زیمبابوه	۵۶.۵۰
۱۹	عربستان سعودی	۹۱.۵۳	۴۲	اسرائیل	۷۸.۵۱	۶۵	مالدیو	۵۰.۴۶
۲۰	فنلاند	۹۰.۴۱	۴۳	چین	۷۸.۱۱	۶۶	روسیه فدرال	۴۷.۷۶
۲۱	اتریش	۹۰.۱۱	۴۴	اسلوانی	۷۸.۰۴	۶۷	رومانی	۴۷.۲۹
۲۲	جمهوری عربی مصر	۸۹.۵۸	۴۵	اوگاندا	۷۷.۷۲	۶۸	اوکراین	۴۷.۲۵
۲۳	ژاپن	۸۹.۱۷	۴۶	بنگلادش	۷۷.۵۰	۶۹	بلغارستان	۴۷.۲۴

همان‌طور که پیداست جایگاه ایران از بین ۶۹ کشور به لحاظ سطح شادمانی ۶۱ام است. به‌منظور توصیف بیشتر داده‌ها، میزان شادمانی کشورهای مذکور به تفکیک درآمد در جدول ۵ ارائه شده‌اند.

نتایج نشان می‌دهند در مجموع میانگین شادمانی در کشورهای با درآمد بالاتر بیشتر از میانگین شادمانی در کشورهای کم‌درآمدتر است. تنها موارد استثنا، کشورهای اندونزی، تانزانیا و ویتنام می‌باشند که با وجود قرار گرفتن در دسته کشورهای کم‌درآمد، دارای سطح شادمانی بسیار بالایی در حد کشورهای پردرآمد می‌باشند. و از طرف دیگر در کشورهای پردرآمد، یونان، آلمان



جدول ۶. آماره‌های شادمانی به تفکیک درآمد در بین کشورها

شادمانی					شاخص گروه‌بندی کشورها براساس میزان درآمد
انحراف معیار	چارک سوم ۷۵٪	چارک اول ۲۵٪	میانگین	تعداد	
۱۶/۹۵	۹۲/۲۷	۶۰/۹۰	۷۶/۵۴	۱۲	درآمد پایین
۱۳/۶۶	۸۲/۵۲	۶۲/۵۹	۷۱/۰۶	۱۹	درآمد متوسط
۱۰/۰۹	۸۶/۷۲	۷۲/۴۵	۸۰/۱۲	۱۵	رو به پایین درآمد متوسط
۶/۰۴	۹۴/۶۹	۸۷/۶۱	۹۰/۰۷	*۱۹	درآمد بالا (OECD)
۹/۸۴	۹۵/۳۷	۷۸/۱۶	۸۶/۸۰	**۴	درآمد بالا (غیر OECD)
۱۳/۶۵	۹۱/۸۷	۷۳/۲۹	۸۰/۱۳	۶۹	کل

\* براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ کشورهای OECD شامل ۲۴ کشور می‌باشد که از جمله آن‌ها انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، ژاپن، آلمان، کره، چک و سوئد می‌باشند.  
 \*\* این چهار کشور عبارتند از اسرائیل، سنگاپور، جزایر ماریان شمالی و اسلونی. لازم به ذکر است که تعداد کشورهای غیر عضو OECD که براساس این طبقه‌بندی دارای درآمد بالا می‌باشند، برابر ۲۸ کشور می‌باشد و در این جا تنها داده‌های شادمانی مربوط به ۴ کشور مذکور موجود است.

و ایتالیا دارای کمترین میزان شادمانی در دسته خود می‌باشند که میزان شادمانی آن‌ها حتی از میانگین شادمانی دسته قبل نیز کمتر است.

ب) تحلیل‌های چندمتغیری در سطح کلان: با توجه به فقدان داده‌ها برای کثیری از کشورها و با عنایت به این‌که ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل نسبتاً بالاست، از این رو تنها کشورهای را وارد تحلیل کردیم که همگی داده‌های مربوط به تمامی متغیرها را دارا باشند (۳۲ کشور). همچنین بررسی اولیه داده‌ها نشان داد که میزان نابرابری درآمد در آفریقای جنوبی بسیار زیاد (۷۴/۷۳) و از حد سه برابر طول نمودار جعبه‌ای فراتر می‌باشد. این کشور نیز از تحلیل حذف و تعداد کشورها به ۳۱ تقلیل پیدا کرد. همچنین نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف به منظور تست نرمال بودن<sup>۲</sup> توزیع متغیرها نشان داد متغیر سطح ایمنی در سطح خطای ۰/۱ و متغیرهای دیگر در سطح خطای ۰/۰۵ دارای توزیع نرمال می‌باشند. نتایج ماتریس ضرایب

1. سازمان توسعه و همکاری Organization For Economic Co-Operation and Development اقتصادی

2. Normality Test

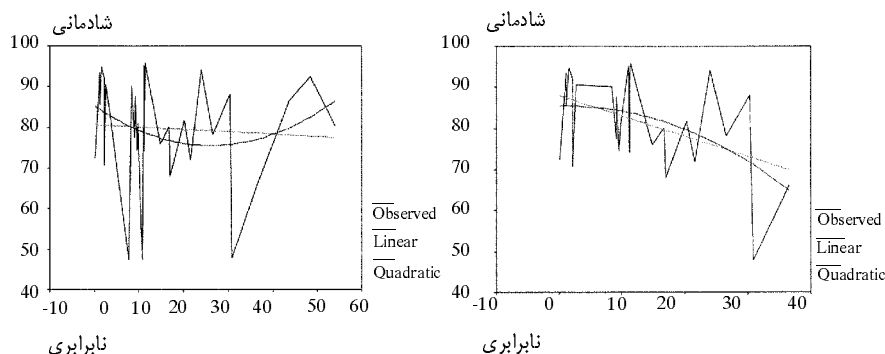
همبستگی دوه‌دو براساس این ۳۱ کشور نشان داد متغیرهای سطح ایمنی، توسعه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و فردگرایی به ترتیب دارای بیشترین ضریب همبستگی مستقیم با شادمانی بودند.

نتایج تحلیل رگرسیون براساس ۳۱ کشور مذکور نشان می‌دهند که از بین متغیرهای مستقل، توسعه اقتصادی دارای بیشترین اثر خالص بر شادمانی می‌باشد.

جدول ۷. نتایج رگرسیون شادمانی بر متغیرهای مستقل به روش Enter در سطح کلان

متغیرهای مستقل	ضرایب همبستگی (R)	ضرایب استاندارد رگرسیون ( $\beta$ )	t	Sig.
مقدار ثابت			۳/۲۶	۰/۰۰۳
سطح ایمنی	۰/۶۱۳	۰/۳۳۱	۱/۷۶	۰/۰۹۱
فردگرایی	۰/۴۲۳	-۰/۱۸۹	-۰/۸۸۲	۰/۳۸۶
نابرابری در درآمد	-۰/۰۶۳	۰/۴۱۳	۲/۵۷	۰/۰۱۷
توسعه اقتصادی	۰/۶۰۵	۰/۵۸۴	۲/۳۳	۰/۰۲۸
سرمایه اجتماعی	۰/۵۵۷	۰/۳۱۹	۲/۱۲	۰/۰۴۴
نتایج تحلیل واریانس	F		۸/۲۹	
	Sig.		۰/۰۰۰	
ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	۰/۶۳			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۵			

همان‌طور که جدول ۷ نشان می‌دهد سهم خالص متغیر نابرابری در توضیح شادمانی مقدار مثبت و غیرمنتظره‌ای است ( $\beta=0.413$ ). پس از بررسی نوع رابطه بین این دو متغیر مشاهده شد این رابطه از نوع سهمی درجه ۲ می‌باشد. آماره‌های مربوط نیز بیانگر تطابق بیشتر مدل سهمی بر داده‌ها نسبت به مدل خطی می‌باشد. نمودار ۵ این رابطه را بهتر نشان می‌دهد. پس از مرتب کردن کشورها به ترتیب نزولی براساس میزان نابرابری مشخص شد از جمله کشورهایی که دارای نابرابری زیاد و همچنین سطح شادمانی بالا می‌باشند عبارتند از: مکزیک با میزان شادمانی ۹۲/۳۸، ونزوئلا با میزان شادمانی ۸۶/۳۳ و شیلی با میزان شادمانی ۸۰/۳۰ که هر سه در آمریکای جنوبی واقع‌اند. سطح نابرابری نیز در این سه کشور به ترتیب برابر ۴۸/۳۷، ۵۳/۹۶ و ۴۳/۶۶ می‌باشد. ضمناً کشورهای بلغارستان و رومانی (هر دو اروپای شرقی) از بین کشورهای مورد تحلیل قرار گرفته، دو کشوری بودند که دارای نابرابری و همچنین سطح شادمانی بسیار پایینی بودند. پس از حذف ۵ کشور بالا در تحلیل، در نوع رابطه بین این دو متغیر تغییرات اساسی به وجود آمد. نمودار ۴ این رابطه را براساس ۲۶ کشور نشان می‌دهد:



نمودار ۵. رابطه خطی و غیرخطی  
(سهمی) بین نابرابری و شادمانی  
(N=31)

نمودار ۴. رابطه خطی و غیرخطی  
(سهمی) بین نابرابری و شادمانی پس از  
حذف ۵ کشور خاص (N=26)

لازم به ذکر است که پس از حذف ۵ کشور مذکور در تحلیل رگرسیون، ضریب بتای متغیر نابرابری از ۰/۴۱۳ به ۰/۰۵ تقلیل پیدا کرد. بنابراین در مورد رابطه بین نابرابری و شادمانی می‌توان گفت که این متغیر در نتیجه تعامل با دیگر عوامل ساختاری از جمله توسعه اقتصادی حداکثر دارای اثری خنثی بر شادمانی است. در نتیجه می‌توان گفت فرضیه اول تحقیق در سطح کلان مبنی بر رابطه منفی بین این دو متغیر تأیید نمی‌شود.

در مورد فرضیه دوم سطح کلان مبنی بر رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و احساس شادمانی، نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی دارای همبستگی مثبت با شادمانی بوده ( $R = 0.557$ ) و این متغیر پس از کنترل اثر دیگر متغیرهای مستقل، دارای اثر خالص معناداری بر شادمانی می‌باشد ( $\beta = 0.319$ ). بنابراین فرضیه دوم تحقیق در سطح کلان تأیید می‌شود.

از جمله نتایج دیگر این تحقیق آنست که با جداسازی اثر توسعه اقتصادی بر رابطه بین فردگرایی و شادمانی، این رابطه به میزان قابل توجهی تقلیل پیدا می‌کند. از این رو به بیان آماری می‌توان گفت در کشورهای با سطح توسعه اقتصادی برابر، هر چقدر فردگرایی افزایش پیدا کند سطح شادمانی کمتر می‌شود ( $R = 0.116$ ). این نتیجه عکس آن چیزی است که از ماتریس ضرایب همبستگی استنباط می‌شود ( $R = 0.423$ ). اما با توجه به پایین بودن نسبت تعداد کشورها (۳۱) به تعداد متغیرها (۳) در این تحلیل، جدول زیر را طراحی کردیم.

جدول ۸. اثر تعاملی توسعه اقتصادی و فردگرایی بر میزان شادمانی\*

میانگین کل	توسعه اقتصادی		میانگین شادمانی	
	زیاد	کم	کم	فردگرایی
۷۳/۵۰ (۱۵)	۸۳/۱۹ (۵)	۶۸/۶۵ (۱۰)	کم	فردگرایی
۸۵/۶۲ (۱۶)	۸۵/۶۲ (۱۶)	۰ (۰)	زیاد	
۷۹/۷۶ (۳۱)	۸۵/۰۵ (۲۱)	۶۸/۶۶ (۱۰)	میانگین کل	

\* مقادیر داخل هر خانه بیانگر میانگین شادمانی و اعداد داخل پرانتز تعداد کشورهای مربوط به هر طبقه را نشان می‌دهند.

لازم به ذکر است که دسته‌بندی متغیرها به کم و زیاد براساس معیار کمتر از ۵۰ و بالاتر از ۵۰ انجام شده است. براساس مقادیر جدول فوق می‌توان اظهار داشت که توسعه اقتصادی چه در کشورهای با سطح فردگرایی بالا و چه در کشورهای با سطح فردگرایی پایین، سطح شادمانی بالایی به بار می‌آورد اما در مورد تأثیر فردگرایی در کشورهای با سطوح مختلف توسعه اقتصادی (فرضیه سوم سطح کلان) براساس نتایج جدول فوق به علت فقدان داده‌های کافی نمی‌توان اظهارنظری نمود.

### نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که سطح شادمانی در جامعه ایران پایین و بیش از نیمی از افراد میزان شادمانی شان کمتر از حد متوسط است. همچنین با نگاه همزمان به نتایج سطوح خرد و کلان می‌توان اظهار کرد یکی از عواملی که بدون واسطه دیگر متغیرها، شادمانی افراد را تا حد زیادی افزایش می‌دهد روابط اعتمادآمیز است که ما این عامل را در سطح خرد از طریق متغیر انزوای اجتماعی و در سطح کلان تحت عنوان سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار دادیم. در مورد تأثیر عوامل مادی بر شادمانی، براساس نتایج این تحقیق می‌توان اظهار کرد که در سطح خرد همراه با افزایش درآمد، افزایش چندانی در میزان شادمانی افراد بوجود نمی‌آید اما در سطح کلان میانگین شادمانی افراد در کشورهای با سطح توسعه اقتصادی و درآمد بالاتر، بیشتر از میانگین شادمانی افراد در کشورهای کم‌درآمدتر است. البته نتایج سطح کلان این تحقیق براساس داده‌های کشورهای حاصل شده است که مقادیر آنها در دسترس بوده و عمدتاً شامل کشورهای توسعه یافته می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش در سطوح خرد و کلان حکایت از این دارند که روابط اولیه به‌ویژه در

خانواده نقش محوری در تأمین شادمانی افراد دارند. از این رو پیشنهاد می‌شود میزان تفاوت تأثیر خانواده بر شادمانی در میان کشورهای مختلف و علل کلان این تفاوت، از جمله عامل فرهنگی، در مطالعات تطبیقی کیفی مورد بررسی قرار گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود در مطالعات تطبیقی آتی در زمینه شادمانی، حداقل به چهار مجموعه کشورها توجه ویژه مبذول شود: دسته اول کشورهایی که از زیرساخت اقتصادی قابل توجهی برخوردار نیستند ولی برخلاف انتظار حائز امتیاز قابل ملاحظه‌ای روی مقیاس شادمانی هستند (موارد مثبت)، شامل تانزانیا، ویتنام، نیجریه، مصر و عربستان (جدول ۵)، دسته دوم کشورهایی که به اصطلاح تازه توسعه یافته‌اند مثل کره جنوبی، سنگاپور، و تا حدودی اندونزی و فیلیپین که این کشورها نیز روی متغیر مزبور رتبه بالایی کسب کرده‌اند، مجموعه سوم برخی کشورهای آمریکای لاتین، همچون مکزیک، پورتوریکو، ونزوئلا و تا حدودی آرژانتین که همگی حائز رتبه درخور توجهی هستند (موارد مثبت) و بالأخره مجموعه جوامع بلوک شرق سابق، از جمله روسیه، رومانی، اوکراین، آلبانی و بلغارستان که همگی از امتیاز نازلی روی مقیاس مزبور برخوردارند (موارد منفی).

#### منابع

- آزموده، پیمان (۱۳۸۲) رابطه جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ایمانی، رؤیا (۱۳۸۲) بررسی علل و عوامل مؤثر بر دریافت حمایت اجتماعی از شبکه شخصی (روابط فردی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- تاپیا، کلود (۱۳۷۹) درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی (مجموعه ضرورت‌های جامعه‌شناسی روانی)، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌های ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
- عابدی، محمدرضا (۱۳۸۱) بررسی و مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی و سازگاری شغلی و مدل شناختی و رفتار شادمانی فوردایس بر کاهش فرسودگی شغلی مشاوران آ.پ اصفهان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- علیپور، احمدعلی و نوربالا، احمدعلی (۱۳۷۸) «بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی

آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، ماهنامه اندیشه و رفتار، شماره‌های ۱ و ۲. غضنفری، فیروزه (۱۳۸۵) «بهبودی درونی از دیدگاه بین فرهنگی»، مجله روان‌شناسی، سال ۱۰ شماره ۴. کار، الان (۱۳۸۵) روان‌شناسی مثبت؛ علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات سخن.

کرلینجر، پد هازور (۱۳۸۴) رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه حسن سرایی، تهران: انتشارات سمت.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجلد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

معانی، ایرج و شاپوریان، رضا و حجت، محمدرضا (۱۳۷۹) روان‌شناسی بهزیستی، تهران: انتشارت زرین.

Adams, Virgil. H (1999) *Predictors of Aferican American well-being*, Journal of black psychology, Vol. 25 No. 1. February:78-104.

Ahuvia, Aaron (2002) *Individualism/Collectivism and cultures of happiness: A theoretical conjecture on the Relationship Between consumption, culture and subjective Well-Being at the National Level*, Journal of happiness studies, 3: 23-36.

Aldous, Joan & Ganey Rodney .F. (1999) *Family life and the Pursuit of happiness the influence of Gender and Race*, Journal of Family Issues, Vo0l. 20. No. 2. March: 155-180.

Bostic, Terence & Ptacek, J.T (2001) *Personality factors and the short-term variability in subjective well-being*, Journal of happiness studies, 2: 355-375.

Diener, ED. & Lucas, Richard E(2000) *Explaining Differences in Levels of Happiness: Relative Standards, Need Fulfillment, Culture, and Evaluation Theory*, Journal of Happiness Studies, 1: 41-78.

Easterlin, Richard A(2003) *Explaining happiness, proceeding of the National Academy of Sciences*, Department of Economics, University of Southern California, Vol. 100, No. 19, pp. 11176-11183.

Galati, Dario & Manzona, Mayar & Lgor, Sotgio (2006) *The Subjective components of happiness and their attainment: a cross-cultural comparison between Italy and Cuba*, Social Science Information, Vol. 45, No. 4. 601-630.

Galatzer, Wolfgang (2000) *Happiness: Classic theory in the light of current Research*, Journal of happiness studies, 1: 501-511.

Graham, Carol & Pettinato, Stefano (2001) *Happiness, Markets, and Democracy: Latin American in Comparative Research*, Journal of happiness studies, 2: 237-268.

Gundelach, Peter & Kreiner, Soven(2004) *Happiness and life Satisfaction in Advanced European Countries*, cross-cultural Research, Vol. 38 No. 4. November:359-386.

Haybron, D.M. (2000) *Two Philosophical Problems in the study of Happiness*, Journal of happiness studies, 1: 207-225.

- Human Development Report, (2000), *Published for the United Nations Development Programme*, New York, Oxford University.
- Kafetsios, Konstantinos(2006) *Social support and Well-being in contemporary Greek society: Examination of Multiple Indicators at diggerent levels of Analysis*, Social Indicator Research, 76: 127-145.
- Kamp Dush, Claire. M. & Ameto, Paul (2005) *Consequences of relationship status and quality for subjective well-being*, Journal of Social and Personal Relationship, copyright 2005 SAGE publication, Vol. 22. No. 5: 607-627.
- King, Laura. A. (2001) *The Hard Road to the Good Life: The Happy, Mature person*, Journal of Humanistic Psychology; Sagepub, Vol. 41. No. 1. winter: 51-72.
- Kousha, Mahnaz & Mohseni, Navid (2000) *Are Iranins Happy? A Comparative Study Between Iran and the United States*, Social Indicator Research, 52: 259-289.
- Lane, Robert(2000) *Diminishing Returns to income: Companionship and happiness*, Journal of happiness studies, 1: 103-119.
- Lu, L. Gilmour & et al (2001) *Two ways to Achieve Happiness: when the East meets the West*, Personality and Individual Differences, 30: 1161-1174.
- Lucas, R. E., Diener, E., & Suh, E. (1996) *Discriminant validity of well-being measures*. Journal of Personality and Social Psychology,, 71: 616-628.
- Luo LU (2001) *Understanding happiness: A look in to the Chinese folk psychology*, Journal of happiness studies, 2: 407-432.
- Mahon, Noreen E. & Yarcheski, Adela (2005) *Happiness as Related to Gender and Health in Early Adolescents*, Clinical Nursing Research, Vol. 14. No 2, May: 175-190.
- Ott, jan (2001) *Did the market Depress happiness in the US?* Journal of happiness studies, 2: 433-443.
- Piko, Bettina. F (2006) *Satisfaction with life, Psychological Health and Materialism among Hungarian Youth*, Journal of Health Psychology, copyright 2006 SAGE Publication, Vol. 11 (6): 827-831.
- Ric, Francios (2004) *Effects of the Activation of Affective Information on stereotyping: when sadness Increases stereotype use*, Personality and Social Psychology, Vol. 30. No. 10. 1310- 1321.
- Rojas, Mariano(2005) *A Conceptual-Referent Theory of Happiness: Heterogeneity and Its Consequences*, Social Indicator Research, 74: 261-294.
- Rotter, Joseph. C. (2000) *Happiness: Is It Real or Just an Illusion?*, The Family Journal, Vol. 8. No. 4, October 387-389.
- Schyns, Peggy(1998) *Cross National Differences in Happiness: Economic And cultural Factores Explored*, Social Indicator Research, 43: 3-26.
- Tsou, Meng-Wen & Liu, Jin-Tan (2001) *Happiness and Domain Satisfaction in Taiwan*,

- Journal of happiness studies, 2: 269-288.
- Veenhoven, R. (2004). "World Database of Happiness, Catalog of Happiness Queries"; available at <http://www.eur.nl/fsw/research/happiness> (August 25, 2007).
- Veenhoven, Ruut(2005) Apparent Quality of life in Nations: How long and Happy people live?, Social Indicator Research, 71: 61-86.
- Veenhoven, Ruut(1998) Happiness in Nation, Introductory text, Chapter 1: Quest for the Good Society.
- Veenhoven, Ruut(1998) Happiness in Nation, Introductory text, Chapter 2: Criteria for the Evaluation of Human Societies.
- Veenhoven, Ruut(2001) Are the Russians as unhappy as the say they are? Comparability of self-reports across nations, Journal of happiness studies, 2: 111-136.
- Veenhoven, Ruut(2001) Journal of happiness studies: Interdisciplinary forum on subjective well-being, Journal of happiness studies, 2: 85-92.
- Yullee, Dong & Park, Sunghee & Uhlemann, Max R. & Patsula, Philip (1999) What Makes You happy? : A Comparison of self-reported Criteria of Happiness Between two cultures, Social Indicator Research, 50: 351-362.

مسعود چلبی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی است (نویسنده مسئول)  
Maschalabi@Yahoo.Com

سیدمحسن موسوی، کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی است.